

«هنرهای کاربردی در گنبد سلطانیه»

منوچهر حمزه‌لو

دانشگاه: آزاد اسلامی

استاد راهنما: دکتر سیدعلی اصغر میرفتاح

تاریخ: ۱۳۷۸

مکان جغرافیایی سلطانیه

بنای سلطانیه در بخش سلطانیه با وسعتی در حدود ۱۵۶ هکتار در ناحیه مرکزی متمایل به غرب استان زنجان بین ۴۸ درجه و ۴۸ دقیقه طول شرقی جغرافیایی و ۳۶ درجه و ۳۶ دقیقه عرض شمالی جغرافیایی در ۳۹ کیلومتری جنوب خاوری شهرستان زنجان قرار دارد.^۱ سلطانیه با آب و هوایی نسبتاً معتدل و مایل به سرد، دارای دمای میانگین ۱۱/۱ درجه سانتی‌گراد است.^۲

پیشینه تاریخی سلطانیه:

این شهر از کهنترین زمانها از جمله پیش از زمان ایلخانان مغول مورد توجه اقوام گوناگون قرار گرفته و شواهد باستان شناسی حاکی است که دشت سلطانیه از هزاره پنجم پیش از میلاد مسکون بوده و سفالهای بدست آمده از تپه نور در جنوب شرقی شهر قدیم سلطانیه روشنگر این مطلب است.^۳

در متون از سلطانیه به نام «نیز آگامپی» یاد شده و آن را چراگاه ایلخی سلاطین قدیم ایران دانسته‌اند.^۴ و نام سلطانیه را شرویاز^۵ گفته‌اند و کهن‌ترین متنی که نام شرویاز در آن دیده شده، سلجوقنامه ظهیرالدین نیشابوری (متوفی به ۵۸۲ ه.ق) است. وی می‌نویسد: «سلطان ارسلان ابن طغرل محمد در سال ۵۶۲ ه.ق به مرغزار شرویاز وارد شد»^۶ مستوفی در باره مکان

شهر سلطانیه در تاریخ گزیده محل این شهر را در جایی می‌داند که مغولان به آن قنقوراولانگ می‌گفتند و اولانگ را مرتع و چمن می‌نامند.^۷ نویسندگان دیگر درباره پیشینه سلطانیه موارد دیگری را یاد کرده‌اند، از جمله شاردن اروپایی از آن به عنوان بلاد باستانی پارتها یاد می‌کند.^۸ پس از ورود مغولان به ایران «۷۱۶ ه.ق»^۹ و انتخاب سلطانیه برای پایتختی توسط مقتدرترین سلطان ایلخانی «۷۰۴ ه.ق»^{۱۰} این شهر از رونق و اعتبار ویژه برخوردار شد. در زمان اولجایتو فعالیتها و اقدامات عمرانی و آبادانی گسترش یافت، چرا که او ناگزیر بود اقتدار مادی و معنوی حکومت خویش را به نحوی به جهانیان عرضه دارد و به همین دلیل به دنبال برآوردن آرزوی غازان خان، اساس پایتختی سلطانیه را بنا نهاد.

گنبد سلطانیه:

این بنای تاریخی و معروف از بناهای با شکوه و عظیم در معماری جهان اسلام به شمار می‌رود. این بنا در جنوب شرقی زنجان در شهر امروزی سلطانیه یکی از مهمترین و ارزشمندترین بناهای آرامگاهی جهان است. این بنا پس از گنبد ایاصوفیه در ترکیه و کلیسای سنت مارک یا سانتاماریا دلفیوره ایتالیا سومین بنای عظیم گنبدی جهان شمرده می‌شود و در عین

حال بزرگترین و مشهورترین بنای آرامگاهی بجا مانده از ۷۰۰ سال پیش است و از نظر حجم و شکل معماری و تزیینات وابسته به آن از اهمیت والایی برخوردار و در نوع خود بی نظیر و از شاهکارهای هنر معماری ایران است. بدین سبب نویسندگان جهانگردان بسیاری را به سوی خود توجّه داده است.

ساخت این بنا نقطه عطفی در تاریخ هنر معماری ایران محسوب می‌شود، معماری گنبد سلطانیه رابطه‌ای بسیار گسترده و بس تنگاتنگ با معماری گذشته ایران دارد. این بنا در محوطه یا ارگی قرار گرفته که سیزده هکتار وسعت دارد و به اعتقاد بیشتر کارشناسان این ارگ بزرگترین ارگهای ساخته شده در ایران است.

سلطانیه دارای زمین بس فشرده و یکپارچه و متشکل از مواد آهکی و خاک رس و خرده سنگهای ریز است و این ویژگی سبب شده که اساس بنای گنبد سلطانیه محکم و سفت و فشرده باشد و در برابر عناصر جوی مخرب و جابجایی زمین مقاومت کند.

این بنای عظیم گنبدی شکل دارای دهانه‌ای به قطر ۲۵/۵ متر و ارتفاع حدود ۵۰ متر، بنایی است هشت ضلعی که طول هر ضلع آن ۱۷ متر و دارای هشت پایه است که هر یک از پایه‌های آن ۵۰ مترمربع مساحت دارند. در داخل بنا در هشت ضلع آن هشت ایوان در طبقه همکف نمایان است. این جرز یا پایه‌ها تماماً از آجر و گچ ساخته شده و روی یک ردیف سنگ صاف تقریباً سبز رنگ به ارتفاع حدود ۴۵ سانتی متر بنا شده که در دور تا دور بنا می‌گردد، این جرزها در ارتفاع هر طبقه با قوسهای متعدد به هم می‌پیوندند.

با استفاده از این شیوه، فشار بارها روی نقاط ثابت و جدا از هم وارد می‌شود. این شیوه اجرا اول بار در اوج شکوه معماری سنتی ایران در زمان ساسانیان ظاهر شده است، ساخت گنبد در طرح مربع شکل به وسیله سکنج بدون کاربرد قالب از مهمترین ویژگیهای معماری دوره ساسانی است. در بنای سلطانیه از این شیوه پوشش که در طی چندین قرن تا زمان ساخت این گنبد سیر تکاملی خود را گذرانده است به نحو مطلوب استفاده شده است.

به استناد ماخذ تاریخی و باستان‌شناسی گنبد سلطانیه نخست دارای چهار ورودی بزرگ (یعنی همان ایوانها و چهار ورودی کوچک بوده است. ورودیهای کوچک با واحدهای ساختمانی پیوسته گنبد ارتباط مستقیم دارد و به نظر می‌رسد که این ایوانها به زنان اختصاص داشته و ایوانهای بزرگتر برای مردان تعبیه شده است. در باره گنبد سلطانیه گفته‌های بسیار است و ناگفته‌های بی شمار، اگر چه درباره تزیینات و تکنیکها و شیوه‌های اجرای آن و فلسفه نقوش به کار گرفته در تزیینات آن متناسب با مکان اجرای تزیینات و نگارش خطوط و کتیبه‌های بسیار با مضامین بسیار عالی قرآنی و احادیث نبوی با شیوه‌های نگارش کوفی، ثلث و نسخ و...کمتر اشاره رفته است، این انگیزه در نگارنده ایجاد شد که بدین موضوع پرداخته و شرحی، هرچند مختصر در این باره بیاورم. هرچند که در یک مقاله شرح بیان حتی یک رشته از انواع هنرهای بکار رفته در تزیینات این بنا را نمی‌توان به انجام رساند، اما به دلیل جایگاه و اهمیت بنا و تاثیرپذیری تزیینات بنا از بناهای پیش از خود و تأثیرگذاری بنا با تزیینات بناهای پس از خود و آغاز برخی تکنیکهای کاشی کاری و گچبری و اوج آنها در این بنا به شرح مختصری در این باره می‌پردازم.

این گنبد در نمای بیرونی و داخل دارای تزییناتی است که در داخل آن دو دوره تزیینات به کار رفته است. تزیینات دوره اول از نظر تقدم و تأخر زمانی با فاصله بسیار اندک قدیمتر و متشکل از آجر و کاشی و در برخی نقاط همراه با تزیینات گچبری بسیار نفیس است، تزیینات مرحله دوم داخل گنبد از یک لایه گچ مزین با نقش و نگارهای بسیار زیبا و کتیبه نگاریهایی از احادیث و آیات قرآنی شکل گرفته است.

سراسر نمای داخل و خارج این بنا دارای تزیینات آجری و گچبری و رنگ آمیزی و کتیبه نگاری و دیوارنگاری بسیار زیبا و نفیس است که در نمای بیرونی اکثر از کاشی کاری و کتیبه نگاری کاشی و گچ استفاده شده و داخل آن نیز کاشی معرق در برخی ایوانها چشم‌نوازی می‌کند. اهمیت این بنا و تزیینات آن به حدی است که اکثر نویسندگان خارجی و ایرانی به آن اشاره‌های کوتاه و مختصر داشته‌اند، جوزفا باربارو از جمله کسانی است که

تزیینات کننده کاری و طلاکاری روی در ورودی این بنا نظرش را جلب و اشاره کرده که اطراف در، یک میل است و در داخل آن درز گنبد، به بلندی چهار ردیف صندلی است و گنبد آن بزرگتر از گنبد سن جوانی پائولو در ونیز است. روی در کننده کاریها و طلاکاریهایی کردند. در این کننده کاریها و طلاکاریها و نقره کاریها، چندان استادی و هنر بکار رفته که کسی در دیار ما یافت نمی‌شود که بتواند چنین هنری عرضه کند، مگر با صرف زمانی دراز.^{۱۱}

هنرهای کاربردی:

هنر کاربردی چیست؟

هنرهای کاربردی به آن دسته از هنرهایی اطلاق می‌شود که افزون بر دارا بودن جنبه زیبایی و هنر، جنبه کاربردی و مصرف عمومی نیز داشته باشند.

از ویژگی هنرمند ایرانی است که هنر را با زندگی آمیخته و ذوق خود را در ساخت وسایل و لوازم مورد نیاز زندگی به کار برده است.

محققان و نویسندگان در باره تعریف هنرهای کاربردی نظریات متعدد دارند. از جمله عباس زمانی در این باره می‌نویسد: «هنرهای کاربردی به آن دسته از هنرها گفته می‌شود که (افزون بر داشتن) مشخصات ویژه از نظر نقوش و رنگ‌آمیزی (نیز)، مفید فایده هم باشد.»^{۱۲}

مرحوم محمد کریم پیرنیا در کتاب معماری ایران نوشته است: «اگر در کشورهای دیگر هنرهای وابسته به معماری مانند درودگری، سنگ تراشی و نقش بندی، پیرایه به شمار می‌آید، در کشور ما هرگز چنین نبوده است. گره سازی باگچ و کاشی و خشت خام و پخته و کاشی تراش یا پیش‌بر یا خشتی و مانند آنها یابه گفته معماران ایرانی آمود^{۱۳} و اندود بیشتر بخشی از کار بنیادی ساختمان است» و می‌افزاید: «مثلاً اگر گنبدی از تیزه تا پاکار با کاشی پوشیده می‌شود تنها برای زیبایی نیست، اینجا کاشی درست جای پوشش‌های فلزی باختر زمین را گرفته است و نیک آزموده‌اند که پوششی بهتر و سودمندتر از این در آب و هوای کشور ما نیست.»^{۱۴} همچنین هنر کاربردی شامل بخشی

از فعالیت‌های بشری می‌شود که نمایشگر عواطف و احساسات درونی آفریننده است. شاید بتوان گفت هدف از پدید آوردن اثر هنری برآوردن نیازهای روانی و درونی است و هنر عبارت از خلاقیت ترکیبی است.

آثار تاریخی و هنری ایران نمایشگر آن است که آفرینش یک اثر عموماً بر اساس باورها و اعتقادات و طرح ریزی‌هایی که ریشه در فرهنگ گذشته داشته، انجام گرفته است و حتی در هنرهای سنتی، در حجاریها و در معماری ایران اجزا با یکدیگر و یا تمامیت اثر رابطه و هماهنگی دارند. و رابطه‌ای که بین اجزای یک اثر با کل آن در هنرهای دوره اسلامی چون: کاشی‌کاری، معماری و نساجی و غیره به چشم می‌خورد ناشی از باورها و اعتقادات مذهبی ایرانی است.

ویژگی و برتری معماری اسلامی به سبب گوناگونی هنرهای کاربردی در آن نیست، بلکه ذوق سلیم و وضوح دقت، ظرافت، تناسب درست و سنجیده و آمیزش کلی هنرهای کاربردی و سازگاری بین عناصر معماری است.^{۱۵} اجرای ساختمان فاقد شکل و روح زیبایی تنها صنعت است و نه هنر، بنابراین در بنایی که تنها استحکام مد نظر است صرفاً کار مهندسی است و زمانی که اندیشه زیبایی در بنا بر تفکر بهره‌مندی غلبه شود بنا در شمار آثار هنری است. پس معماری چون در تمام شئون زندگی بشر نقش دارد و تنها برای او به عنوان پناهگاه به شمار نمی‌رود، از سودمندترین هنرهای زیبا و شریفترین هنرهای سودمند است و چون مکان عبادت و تفریح و جای کار انسان را فراهم می‌سازد، احداث مقابر و بناهای یادبود و تزیین آنها و غیره که نیازهای جامعه را برآورده می‌سازد از وظایف معماری است.

هنرهای کاربردی که در تزیینات بناهای دوره اسلامی به کار برده می‌شوند معمولاً شامل هنرهایی چون کاشیکاری، گچبری، آجرکاری، منبت کاری، نقاشی یا دیوارنگاری، کتیبه‌نگاری، حجاری و سنگتراشی، آینه‌کاری و غیره است که در بخشهای مختلف بناها و آثار دوره ایلخانی رایج بوده‌اند.

نقوش گل و برگ با تنوع بی انتها، نقشهای ظریف و درهم بافته هندسی که از چند ستاره و انواع نقشهای هندسی ترکیب می‌شود، اشکال درهم پیچیده و عبارات خوشنویسی، اشکال

طبیعی و اسلیمی مؤید اشکال در هم تنیده و ترکیبات خطاطی و خوشنویسی از دوره اسلامی است که به وسیله هنرهای کاربردی چون هنرهای یاد شده در آرایش بناها نقش می‌بندند و چنان شاهکارهای بی‌بدیل را در معماری اسلامی پدید می‌آورند. چنانکه اشاره شد در گنبد سلطانیه دو دوره یا دو لایه تزیینات به وسیله هنرهای کاربردی انجام شده است که شامل کاشیکاری، آجرکاری، گچبری، کتیبه‌نگاری، معقلی، کوفی، نسخ و ثلث، منبت‌کاری، سنگتراشی، نقاشی، رنگ‌آمیزی و دیوارنگاری است.

در دوره اول در نمای بیرونی و داخلی بنا از هنرهایی چون کاشیکاری معقلی و تلفیق آجر و کاشی در سردرها، پشت بغل‌ها و بغل‌کشیهای قوسها و جرزهای میان ایوانها با خطوط و کتیبه‌های کوفی و معقلی در داخل بنا و همچنین گچبری در سردرها، سقف ایوانها راهروهای طبقه اول و سقف ایوانهای ۲۴ گانه در طبقه دوم اجرا شده و از هنرهای چوبی به شکل نرده‌های چوبی در دست‌اندازهای طبقه اول از داخل و همچنین محجرهای سنگی در دست‌اندازهای ایوانهای طبقه دوم که رو به بیرون قرار دارد استفاده شده است.

در تزیینات لایه دوم از هنرهایی چون گچبری و دیوارنگاری یا نقاشی و رنگ‌آمیزی و کتیبه‌نگاری نیز به شیوه‌های کوفی، ثلث، نسخ و همچنین نقاشی روی گچ و کاشیکاری معرق استفاده شده است.

به طور کلی تزیینات وابسته به معماری در گنبد سلطانیه را به دو دوره تقسیم کرده‌اند که دوره اول شامل تزیینات اصلی و دوره دوم شامل گچبری و نقاشی روی تزیینات و لایه اول است. هر دو دوره تزیینات بنا متعلق به زمان ایلخانان مغول، اولجایتو و ابوسعید است. وجود کتیبه‌های تاریخ‌دار ۷۱۰ هـ.ق در خارج بنا و ۷۲۰ و ۷۱۳ هـ.ق در داخل بنا و تکرار نام سلطان اولجایتو در تزیینات لایه دوم گواهی بر این ادعاست و فرضیه برخی محققین مبنی بر اینکه لایه دوم را به صفویه نسبت داده‌اند اشتباه محض است.

بنابراین تمام تزیینات بنا در دوران حکومت ایلخانان (اولجایتو و ابوسعید) بنا بر ملاحظات سیاسی، مذهبی و یا

گرایشهای سلیقه‌ای ویژه در دو مرحله انجام شده است. هنرهای آجرکاری، کاشیکاری، تلفیق آجر و کاشی، برخی کتیبه‌ها از جمله کتیبه‌های معقلی در خارج و داخل بنا و همچنین بخشی از گچبریها از جمله نمای بیرونی سردر شمالی و ایوانهای طبقه دوم را به دوره اول تزیینات گنبد سلطانیه نسبت داده و هنرهای گچبری و نقاشی و رنگ‌آمیزی و نگارش خطوط و کتیبه‌های نسخ و ثلث و رنگهای بسیار زیبا، با شیوه دلپسند به ویژه داخل گنبد و تربت‌خانه را از تزیینات دوره دوم دانسته‌اند. اینک به شرح مختصر درباره هنرهای کاربردی در گنبد سلطانیه می‌پردازیم:

کاشیکاری:

بنای آرامگاهی سلطانیه نخستین بنای تاریخی شناخته شده است که در نمای درونی و بیرونی آن از کاشیکاری استفاده شده است. پیش از سلطانیه کاشیکاری در تزیینات داخل بنا انجام می‌شد. در دوره ایلخانان با به کارگیری کاشی و در برخی موارد سنگتراشی در تزیینات بناها، بخش عمده تزیین نمای بنا که با آجر بود به کاشی سپرده شد.

در جای جای ایوانهای داخلی گنبد و نمای سردرهای ورودی شرقی و غربی و سایر نماها در روزگار پیشین از کاشیکاری با نقوش هندسی و گره استفاده شده است. نقش گره بافته‌های متنوعی از اشکال هندسی یا لقات گره است. بافتهای پیچیده همگی ترکیب منظم و منطقی دارند و بدون تغییر در هماهنگی است.

در نقوش شمسه و گره که در انواع کاشیکاری و گچبریهای گنبد سلطانیه به ویژه در ایوانهای ۲۴ گانه آن به کار رفته، رموز وحدت در کثرت و کثرت در وحدت نهفته است. از این روست که تزیینات معماری اسلامی و یا به طور کلی نقوش اسلامی متأثر از اندیشه‌های والا و پاک اسلامی است که ریشه دینی و اعتقادی دارد و چون گره قابل گسترش است و تنها به واسطه قالبهای اطراف محدود می‌شود، افزون بر جنبه معنوی و زیبایی بسیار آن و گذشته از جنبه فلسفی نقش که خود در جای دیگر مورد بحث قرار خواهد گرفت، از جمله تکنیکهای هنری است که در نظر، هم از لحاظ ظاهر و هم از جنبه معنوی و فلسفی بسیار زیبا جلوه می‌کند و از این روست که این نقش در اکثر هنرهای اسلامی به وفور دیده

می‌شود.

شگرف داشته است.

کاشیکاری به شیوه‌های معقلی، تلفیق آجر و کاشی و کاشیکاری معرق در نمای بیرونی و درونی گنبد سلطانیه انجام شده است، که گاه توأم با نگارش خطوط و کتیبه‌ها و گاه با اجرای گره‌ها و معقلی‌ها در تکنیک و شیوه‌های متعدد نقوش بسیار زیبایی را ایجاد کرده است.

در نمای بیرونی گنبد در دو ضلع ورودی شرقی و غربی و همچنین در نمای فوقانی طبقه دوم بنا در بالای قوسهای طاقها و گیلویی، در قطار بندیها و پشت بغل قوسها و در لچکی‌ها و جرزهای نمای بیرونی طبقه دوم و خود کاسه گنبد و منارها کاشیکاری با تلفیق آجر و کاشی معقلی و آجر خفته و کاشی راسته به کار گرفته شده است.

ورودی اصلی گنبد از سمت شرق بوده و چون این درگاه ویژه تردد سلاطین و بزرگان در جشن‌ها و مراسم بوده بنابراین نمای بیرونی و درونی این ضلع از تزیینات بسیار زیبا و پرکار برخوردار است.

خلاصه اینکه کاشی معرق در داخل بنا، از سلطانیه آغاز شده و با اینکه این سبک کار تجارب اولیه خود را می‌گذراند به بهترین شیوه زمان خود اجرا شده و سپس در بناهای پس از آن تأثیر

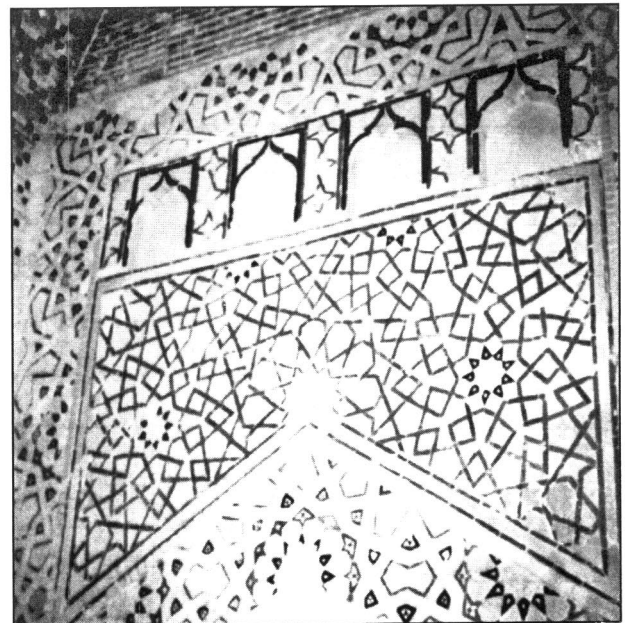
آجر کاری:

آجرکاری در گنبد سلطانیه به دو روش صورت گرفته است، نخست مثل دوران گذشته نمای تزیینی آجری با چیدن آجرهای اصلی بنا همراه شده است، مثل اسکلت خود بنا، دو دیگر اینکه پس از پایان سفت کاری با «آجرگری» یک پوشش تزیینی از آجر به صورت پوسته خارجی بر روی بنا افزوده شده است که تمام ایوانهای داخلی بنا تا زیر گنبد و در تمام پشت بغل‌های ایوان‌ها در لایه اول تزیینات از این شیوه استفاده شده است.

انواع آجرهای به کار رفته در گنبد سلطانیه شامل: آجر پیش بر، آجر آب مال، واکوب، آجر مهری، آجر تراش، آجرهای تزیینی و قالبی و آجر زیر نقشی^{۱۶} در رنگهای نخودی، کرم، قرمز و اشکال تزیینی آجری شامل: طرحهای هندسی، گیاهی و کتیبه نگاری است. حدود بیش از ۴۰ نوع نقش متفاوت آجر به ویژه در آجرهای مشبک قالبی و آجرهای مهری وجود دارد. افزون بر آن در بسیاری از بخشهای بنا آجر و گچ با تلفیق کاشی به شکل عناصر تزیینی و هنرهای کاربردی در تزیینات داخلی و خارجی بنا استفاده شده است.

در تزیینات نمای بنا با ایجاد سایه روشن‌ها در برخی جاها ایجاد نقوش لوزی، مربع کم حجم در حجم ظاهری بنا و در کاستن از یکنواختی ظاهر بیرون بنا سبب زیبایی ویژه شده که در نوع خود جالب است. در نمای بیرون گنبد از آجرچینی معمولی - برخلاف نمای آجری بناهای دوره قبل - استفاده شده است، این آجرچینی در دیوارهای جانبی یا پشت بغل‌های ایوان ورودی شمالی از ترکیب آجر و کاشی با طرح چلیپا است که در جاهای دیگر گنبد نیز مشاهده می‌شود. در اسپرهای منقوش طاقهای ۲۴ گانه از تزیینات آجر و کاشی در نقوش هندسی و گره که از نظر نقش و رنگ فوق العاده زیباست، با آجرکاری زینت یافته که امروزه در نمای بیرونی آسیب فراوان دیده است.

بر روی پاکار قوس گنبد تزیینات ترکیب آجر و کاشی به صورت خفته و بیدار، آجر کرم رنگ به خط بنایی سبب پدید آمدن کتیبه‌هایی با نامهای مقدس «الله - محمد (ص) و علی (ع)» شده

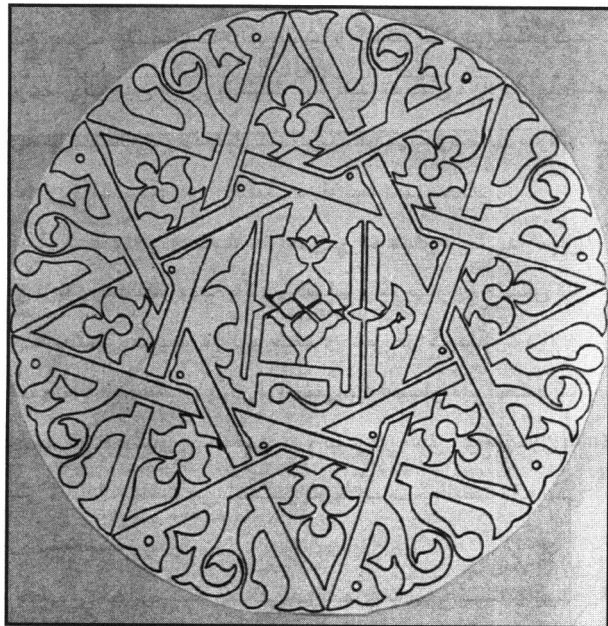


تزیینات معقلی در داخل گنبد سلطانیه

برجسته، گچبری توپر و توخالی، گچبری الحاقی، معرّو، گچی، نقوش مهری بند آجری و آجرکاری کاذب به وسیله گچ و گچبری پیش ساخته روی پارچه انجام پذیرفته است.

در سلطانیه، گچبری از لحاظ تکنیک، طرح و ظرافت و تنوع به اوج خود می‌رسد و تا پیش از آن در هیچ بنای دیگر اینقدر تنوع در نقش گچبری مشاهده نمی‌شود، در اینجا، گچبری، افزون بر درون بنا، به بیرون بنا نیز راه می‌یابد و با نگارش خطوط و کتیبه های گوناگون به حد اعلاّی خود می‌رسد. گچبری این بنا با بناهای مقبره تربت شیخ جام، محراب امامزاده ربیع‌ه خاتون در اشترجان، مسجد جامع اشترجان، مسجد جامع فرومد، قابل مقایسه است.

در ایوانهای طبقه دوم (روبه بیرون) گچبری در هر ضلع متناسب با آن سمت انجام پذیرفته و نقوش فلسفه و مفهوم ویژه‌ای دارند. به عنوان مثال در ضلع شرقی در طاق مرکزی نقش خورشید در مرکز شمسه گره دوازده و نقطه گذاریهای در مرکز دایره اصلی به رنگ اخراّبی مایل به قرمز، نمادی از گندم است، وجود دارد. ترکیب نقش خورشید و گندم نماد بارآوری است و متأثر از نقوش هندی و یونانی است. که در جهت شرق، سمت طلوع خورشید اجرا شده است. همچنین ضلع جنوب و جنوب غربی که سمت قبله است نقوش و کتیبه هایی متناسب با آن



طرح کتیبه نگاری تزیینات گنبد سلطانیه

است و نقوش آجر مهری به کار رفته در گنبد سلطانیه به ویژه در دهلیزهای ایوانهای هشت گانه با نقوش آجری مسجد مفاک عطّاری یا مسجد عطّاران در بخارا قابل مقایسه است.^{۱۷}

همچنین آجرهای مهری به گونه های نقش برجسته و مشبک با نقوش هندسی و گره و اسلیمی در داخل بنا با همین کاشی قابل مقایسه با در رودی بقعه بایزید بسطامی و خانقاه نطنز شباهت تنگاتنگ دارد.

در بنای سلطانیه تزیین بیرون بنا با آجر که در دوره قبل رونق خاصی داشت، با وجود برجهای خرقان در نزدیکی آن، که از تزیینات پرکار آجری برخوردار است کم رنگ تر است و بیشتر درون بنا به وسیله آمود انواع نقوش آجری به شیوه بسیار زیبا آرایش شده است.

گچبری

هنر گچبری در سلطانیه از ویژگی قابل توجهی برخوردار است، از گچ هم به عنوان ملاط و هم به عنوان مهمترین هنر کاربردی در تزیینات دو دوره بنا استفاده شده است.

طرحها، نقوش و موتیف های تزیینی به کار گرفته شده در گچبری سلطانیه متنوع و شامل؛ نقوش گیاهی، شاخ و برگها و گل‌های اسلیمی و گل و بوته و نقوش هندسی گره با لقاط آن که مرکب از نقوش هندسی ریز و درشت و نموداری از «سلی» و «طلبل» در انواع گره‌های تند و کند و انواع تزیین گچی، کتیبه نگاری، نگارگری و گچبری و نقاشی است.

در تزیینات گچی گنبد، طرحها و نقوش از نظر ابداع، بسیار غنی و یک دست و از نظام هماهنگی برخوردار است، کثرت شکلهای و طرحها از یک نظم ویژه منطقی حکایت دارد.

انحنای بسیار زیبای دوایر و نقوش منظم هندسی و اسلیمی فراگیر در برخی نقاط سه بعدی است و در طاقها و چشمه طاقهای هشتگانه گچبری به این شیوه اجرا شده است.

در ایوانهای طبقه دوم (رو به بیرون) در هر طاق نمایی نقش متفاوت با نقش مجاور کار شده و اوج تزیین در طاقنماهای مرکزی آنهاست.

در گنبد سلطانیه انواع تکنیکهای گچبری چون؛ برهشته یا

اجرا شده و خلاصه اینکه در تمام جاهای بنا چه در درون و چه در بیرون هر نقشی براساس یک ایده و فلسفه خاصی اجرا شده است.

کتیبه نگاری

نگارش خطوط و کتیبه ها از جمله هنرهای کاربردی در آرایش این بناست که در نماهای داخل و خارج بنا به شیوه ها و سبک‌های متعدد نگارش شده است، در گنبد سلطانی حدود ۷۰ نوع کتیبه نگارش شده که تعداد حدود ۶۰ کتیبه آن خواناست.

نگارش خطوط و کتیبه‌ها در این بنا سبب اعتلای تزیینات و زیبایی روح معنوی آن شده، به گونه‌ای که حجم بنای هشت ضلعی آجرچینی شده و هیئت عظیم و خشک ساختمان با تزیینات و کتیبه‌های عالی و اسپرهای کاشی کاری و افریزها و قالب گیریهای مقرنس زیبا و نقوش متنوع گچبریها و زمینه مارپیچ و پر گل و بوته کتیبه‌ها، از بین رفته و این تزیینات آنچنان زیبایی به ساختمان مقبره اولجایتو بخشیده و ظرافت خاصی به ظاهر بنا داده است که ذهن انسان را از زمختی بنا به حیرت در لطافت نقوش واداشته و خشکی و زمختی بنا را پنهان می‌دارد. اکثر کتیبه‌ها به طور ساده از حروف سفید رنگ بر روی زمینه خاکستری یا سفید و یا با رنگهای آبی بر روی زمینه سفید نگارش شده‌اند.

تنوع در اشکال کتیبه‌ها، گچبریها و کاشی کاریها و نقوش آجری در درون و بیرون گنبد سلطانی بسیار فراوان است. خطوط پرکار که مداوم تعدیل یافته و بیشتر می‌شود سبب حرکت و جاننداری آنها شده و روح لطیفی به تزیینات می‌بخشد.

خطوط عمودی به نمایش درآمده در ایوانهای داخلی در میان برخی از جرزها، نظر را به بالا می‌کشاند و گویی روح انسان به بالا و عالم معنی گرایش دارد و خطهای افقی در گرداگرد بالای ایوانهای طبقه هم کف آنچنان آرامشی به انسان می‌بخشد که گویی پس از اوج‌گیری از حسیض و سیر در آفاق روح انسان به آرامش جاودانه دست می‌یابد، چرا که با آیات جانبخش قرآنی مزین شده است.

خطوطی که در بخش هلالی قوسهای داخلی نوشته شده آنچنان انسان را به تحسین و امید دارد که گویی پس از بالاگرایی و

آرامش و سیر در آفاق در روح و مغز انسان اثری جاودانه دارد. زمانی که انسان سعی در خواندن این خطوط دارد، به هیجان در می‌آید. این خطوط گاهی هماهنگ و گاهی هم خوانی با هم ندارند، اما در مجموع و ترکیب با هم از یک نظم منطقی ویژه برخوردارند که نشان از نظم در جهان هستی است.

می‌توان گفت که انواع خطوط رایج در قرن هشتم هجری در این بنا نگارش یافته است. کتیبه‌های دوره اول به استثنای چند مورد عموماً به خط زیبای کوفی و به سبک‌های معقلی، مشجر، موشح و مورق و کتیبه‌های دوره دوم تزیینات با خطوط ثلث، انواع کوفی و نسخ نگارش یافته است.

نقاشی و رنگ آمیزی

هنر نقاشی و رنگ‌آمیزی از جمله هنرهای کاربردی در تزیینات گنبد سلطانی است. نقاشی و رنگ‌آمیزی نخستین تجارب خود در معماری ایران را به طور کلی در این بنا آزموده و بسیار موفق بوده است.

آرامگاه اولجایتو پر از نقاشی‌هایی با مضامین گیاهی (اسلیمی و ختایی و هندسی به رنگهای گوناگون) بوده است که در زمان حاضر نیز برخی از آنها به آسانی قابل مشاهده است.^(۱۸)

نقاشی در گنبد بیشتر به طرحهایی که با گچبری ترسیم شده شبیه است و اکثر موضوعات آن از اسلیمی و ختایی‌ها با گل و بوته‌ها و شاخ و برگها به اسلیمی‌های طوماری پیچشی توأم با نقوش هندسی و گره‌هاست که با نقوش کاشی‌های دوران متأخر قابل مقایسه است.

استفاده منطقی از رنگها و ترکیب و آمیزه رنگها با هم در گنبد سلطانی از جمله شاهکارهای هنر نقاشی است. اگر چه در گذر زمان و دگرگونی رنگها در فضای باز و آزاد، امروز ممکن است برخی از رنگهای اصلی به چشم نخورد، اما در حال حاضر رنگهای نارنجی در متن خاکستری دیده می‌خورد، که در گذشته به جای رنگ خاکستری از رنگهای متنوع براق استفاده می‌شده است.^{۱۹}

رنگهایی که در گنبد سلطانی برای نقاشی‌ها و گچبریها و

نگارش خطوط و ... کاربرد داشته شامل؛ رنگهای قرمز، سبز، پررنگ، آبی، زرد (طلایی)، بنفش، سیاه، نقره‌ای، سبز کم رنگ، اخراپی، قهوه‌ای، نارنجی، خاکستری و طوسی است.

به طور مسلم رنگ و نقش در گنبد سلطانیه به گونه بسیار بنیادی مورد توجه و علاقه هنرمندان و معماران و سازندگان آن قرار گرفته است و در واقع توجه ویژه هنرمندان به ابداع و خلاقیت در طرحها و نقوش تزیینی و ترکیب رنگها در آراستن برخی نقوش، گنبد سلطانیه را به دائرةالمعارف نقش و رنگ در زمان خود مبدل ساخته که در واقع این بنا یک دانشکده معماری و هنر برای اهل ذوق و معماران و هنرمندان است.

رنگدانه‌های آبی که در گچبریاها و کتیبه‌ها و نقوش به کار رفته، در دوره مغول و صفوی متداول بوده است. رنگ زرد طلایی که در گل بزرگ در حاشیه قوس ایوان جنوبی استفاده شده از ورقه‌های طلاست و از فلز طلای دارای خالصی بسیار بالا استفاده شده است.

رنگ بنفش در گلهای تزییناتی بزرگ که به میزان زیاد به کار رفته، یک رنگدانه معدنی است و بر اساس مشاهدات میکروسکوپی وجود یک ماده را ثابت می‌کند و از ترکیب دو رنگ آبی و قرمز که معمولاً برای تهیه رنگ بنفش استفاده می‌شود، نیست، که خود از موارد بسیار نادر است.^{۲۰}

رنگ سیاه که در تزیینات گل بزرگ استفاده شده، دوده است و رنگ نقره‌ای که خیلی کم در تزیینات استفاده شده از ورق فلز نقره است. همچنین رنگ سبز کم رنگ در لابلاهای پنجره‌های گنبد به کار رفته است، در ترکیب رنگها به جای روغن از صمغ عربی استفاده شده است.

همه اینها مؤید این نکته است که در تزیین و رنگ کاری قطعات شانزده گانه گچبریاها که در قوس گنبد به کار رفته و یا احتمالاً در نقاشی گنبد سلطانیه رنگها را مستقیم روی گچ نقاشی نمی‌کردند، بلکه از پیش با چسبهای گیاهی و احتمالاً با صمغ درختی یا صمغ عربی مخلوط کرده و یا از چسبهای نشاسته‌ای (گندم و برنج) که رقیق و ملایم است، استفاده کرده و یا از چسبهای حیوانی که از استخوان حیوانات و ژلاتین و عسل یا ملاس است، به کار می‌بردند.

مهمتر از همه تنوع نقوش و مهارت در بریدن آنها وجود رنگهای فراوان است که کاملاً حفظ شده و هر سانتی متر مربع سطوح طرحها به رنگ سفید، قرمز، زرد، سبز و اخراپی، رنگ آمیزی شده است.

شیوه نقاشی کردن بر سطوح دیوارها به این گونه بوده که با مواد طرح اندازی می‌شده و برای نقاشی کردن انواع گره، ابتدا سطح کار را با گچ کاری و بتونه کشی و سنباده زدن، صیقل کرده، سپس طرح مورد نظر را به شیوه گرده زنی پیاده می‌کنند تا برای رنگ آمیزی آماده شود. نقاشی انواع گره در نماسازی سنتی رایج است، گاهی هنرمندان در نماسازی هایشان ترکیبی از گچبری و نقاشی نیز به کار می‌بردند. در انواع تزیینات گچبری در داخل گنبد برای ایجاد زیبایی هر چه بهتر نقوش از رنگ استفاده شده و آن تزیینات را رنگ آمیزی کرده‌اند.

هنرهای چوبی در تزیینات گنبد سلطانیه

در ساختمان گنبد سلطانیه افزون بر چوبهایی که در پی بنا برای استحکام و پی بندی و چوب کاج سفید به جای میل گرد آهنی در قوسها و سقفهای طاقی شکل به منظور خنثی کردن نیروهای رانش استفاده شده، در دست اندازهای ایوانها و غلامگردشهای طبقه اول و در ورودی کنونی تربت خانه از هنرهای چوبی به کار گرفته شده که از جنس چوب آبنوس بوده و متأسفانه امروزه اثری از آن باقی نیست.^{۲۱}

در کنده کاریهای محجر مسجد اولجایتو در سلطانیه از چوب مرغوب استفاده شده به گونه‌ای که بیشتر آنها هنوز در وضع و حالت خود باقی مانده‌اند.^{۲۲}

نرده‌های چوبی اصلی، از چوب ساج ساخته شده که در آب نمک و دوغاب گچ خوابانیده شده تا از موریانه در امان بماند. این چوبها از لبنان و هند وارد شده و هیچ گونه میخ فلزی در داخل آنها به کار نرفته است و تزیینات این نرده‌ها با هنر منبت کاری و گره‌سازی مشبک و آلت و لقط اجرا شده است.

به هر حال دست اندازهای ایوانهای طبقه اول در داخل گنبد سلطانیه با نقوش گره سازی مشبک با حاشیه منبت کاری اجرا و ساخته شده است. این دست اندازها به تعداد هشت ایوان به ابعاد

۸×۵×۱۰۵×۴۶۵ سانتی متر است. از نرده‌های قدیمی و اصلی امروز تنها دو محجر در گنبد موجود است، که یکی از آنها در ایوان شمالی است و نرده‌های شرقی و جنوب غربی نیز بازسازی شده‌اند. و در سایر ایوانها نیز، در آینده بدست توانای هنرمندان درودگر و منبت کار مرمت خواهد شد.

هر چهار نرده دو به دو قرینه و دارای نقوش یکسان اند و در آنها دو موتیف یا نقش وجود دارد که عبارتند از: ۱- ترنج هشت در زمینه هشت ۲- ترنج دوازده در زمینه چهار

در چهار ایوان، نرده‌ها دارای نقوش ردیف نخست و در چهارایوان قرینه دارای نقوش ردیف دوم است. نرده سازی زمینه دوازده ترنج در زمینه چهار گل (در واقع گره دوازده و چهار) در حاشیه در دو طرف^{۲۳} منبت کاری شده‌اند و در چهار ضلع طولی و عرضی، دست اندازها با مهارت و دقت زیاد منبت شده که دارای نقوش اسلیمی و ختایی در تمام حاشیه در طول و عرض تکرار شده است.

هر نرده به وسیله کلاف در چهار طرف به هم متصل شده است، گره‌های مشبک نیز در سربندهای آن به وسیله کلاف به هم متصل‌اند. در این نرده‌ها از گونه گره درودگران استفاده شده و اتصال گره‌ها به چهار چوب به این صورت است که اتصال به وسیله مادگی در کلاف و زبانه در آلت انجام گرفته است و سپس هر دو با سریشم آغشته شده و پس از خشک شدن سریشم، مرکز اتصال دو قطعه به وسیله مته سوراخ شده و میخ دویل چوبی شسته به سریشم در سوراخ کوبیده شده است تا آلت جزم و جفت به کلاف چسبیده و محکم شده است. اتصال کلافها به چار چوب نیز به همین شیوه صورت گرفته که یک پنجره با کار مشبک ایجاد کرده است.

هنر سنگتراشی در گنبد سلطانیه

برای تزیین برج و باروی ارگ و بنای سلطانیه از هنر سنگ تراشی استفاده شده است. به استناد گفته کاوشگران و محققان سلطانیه، در کنار در ورودی شمالی آثاری از کتیبه‌های سنگی به دست آمده است که نشان می‌دهد این ورودی دارای کتیبه در سردر بوده است که متأسفانه کتیبه قابل تشخیص نبوده است.

در ایوانهای طبقه دوم در بخش نمای خارجی در هشت ضلع بنا نرده‌های سنگی وجود دارد که به عنوان حفاظ کار گذاشته شده‌اند، که بخشی از آنها مربوط به دوره ایلخانی و برخی از آنها جدید و بر اساس نمونه‌های قدیم تراش داده شده‌اند.

در هر یک از اضلاع هشتگانه متناسب با چشمه طاقها، سه نرده سنگی وجود دارد که نرده مرکزی بزرگتر از دو دیگر است. کلیه نرده‌ها با نقوش گره مزین شده‌اند که در اضلاع هشتگانه به صورت یک در میان از نظر نقش یکسان اند. این محجرهای سنگی هر کدام دارای یک قاب تزیینی برجسته، نیم برجسته و فرورفته در حاشیه است و در مرکز آن نقوش گره هندسی ساده به شکل نیم برجسته و توگود وجود دارد. این نرده‌ها دو به دو به شکل یک در میان دارای نقش متفاوت اند. دو نرده کوچک جانبی به شکل نقش برجسته است که از لقاط گره شکل گرفته و نقوش نرده‌های طاق مرکزی در هر ایوان دارای نقش مشبک است که باز به صورت یک در میان متفاوت و هر چهار ضلع دارای نقش یکسان است. در نمای شرقی نرده، سنگی طاق مرکزی مشبک است که از نوعی گره که از شمسه ده شکل گرفته منشعب شده و دارای لقاط پنج تند یا شش بند، ترنج، پابزی و جفت سه گوش که در رأس به هم چسبیده‌اند، شکل گرفته است. این نرده‌ها از دو قاب حاشیه پهن برجسته و حاشیه باریکتر تو یا فرو رفته حجاری شده است. اشکال گره در سنگ تراشی به صورت بازوبندی برای حاشیه سازی متن است، در مواردی روی تخته‌های سنگ رنگارنگ و رگه دار لقاط گره تراشیده می‌شود تا یک زمینه گره سازی کامل بوجود آید، گاهی نیز چنین پنجره‌های جالب و ظریف تراشیده می‌شود.

در ضلع جنوب غربی دست انداز طاق کوچک سمت چپ شرقی در میان حاشیه سنگی دارای نقوش مشبک است که این نقش شبیه سلی یا ترقه که در جهت افقی دو به دو روبروی هم و در سمت عمودی دو به دو پشت به هم و بر عکس حجاری شده و به صورت مشبک است، که قابل مقایسه با بخش کتیبه بالایی لچکی محراب اولجایتو در مسجد جامع اصفهان است، با این تفاوت که در محراب اولجایتو با استفاده از خطوط و نگارش کتیبه و گچ در ظرافت کار دقت بیشتری شده است، اما نرده سنگی

به دلیل مشکلات اجرای نقش مشبک در سنگ از آن ظرافت برخوردار نیست.

نقش برخی نرده‌ها به شکل گره در گره هندسی و برخی مشبک و به شکل پنجره‌های ریز که گاهی به صورت چلیپای تو در تو مشاهده می‌شود. در این دست اندازه‌ها هنگام تابش نور خورشید، نقش‌های زرنگار بسیار عالی از درخشش پرتو خورشید به دیوار مجاور می‌تابد. این دست اندازه‌های سنگی در ایوانهای مزبور به صورت یک در میان قرینه هستند.

نتیجه اینکه گنبد سلطانیه نقطه عطف و اوج اجرای هنرهای کاربردی زمان خود بوده است و تنه‌بناایی است که دست کم پنج رشته هنری را از زمان ایلخانی و پیش از آن حفظ کرده و با خود داشته و میراثی گرانقدر برای آیندگان با خود به یادگار گذاشته که حتی نامی از خود در این بنا نبرده و خودشان را بر ما نشاناسانده‌اند. گنبد سلطانیه از هر حیث دانشکده و آموزشکده‌ای است که شناسنامه هنرهای کاربردی در معماری ایران است. در این بناست که هنرهای یاد شده اوج گرفته، تکامل یافته و الگوی تزیینات معماری با روح و نشاط ایران شده است.

پانویس:

- ۱) سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۶۹، فرهنگ جغرافیایی آبادیهای کشور جمهوری اسلامی ایران بخش زنجان (جلد ۲۵) تهران، ص ۱۵۰-۱۴۸.
- ۲) ضرغام، شریفه، شهریور ۱۳۷۱، سیمای دشت سلطانیه و پیرامون آن، رساله فوق لیسانس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، گروه جغرافیا، ص ۲۲.
- ۳) میر فتح، سید علی اصغر، ۱۳۷۰ «سلطانیه» شهرهای ایران (جلد چهارم)، به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران، جهاد دانشگاهی، ص ۱۵۶.
- ۴) اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، ۱۳۶۳ تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران، به تصحیح میر هاشم محدث، تهران، امیر کبیر، ص ۱۰۹. (توضیح اینکه کلمه نیز آقامی جای بحث دارد و تفصیلات بیشتری را می‌طلبد).
- ۵) شرویاز یا شهر ویاز یا شهر ویان نیز نامیده شده است برای اطلاعات بیشتر ر.ک به؛ جغرافیای سیاسی دکتر کیهان، ص ۳۷۷.

۶) ظهیر الدین نیشابوری، ۱۳۲۲، سلجوقنامه تهران، کلاله خاور، ص ۷۹.

۷) مستوفی، حمداله، ۱۳۳۹، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، امیر کبیر، ص ۶۰۷.

۸) شاردن، ژان، ۱۳۵۰، ترجمه محمد عباسی، جلد ۳، تهران، امیر کبیر، ص ۲۹.

۹) پطروشفسکی - کارل یان و جان ماسون اسمیت، ۱۳۶۶، تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران در دوره مغول، ترجمه دکتر یعقوب آژند، تهران، موسسه اطلاعات، ص ۳۲۰.

۱۰) آملی، شمس الدین محمد بن محمود، ۱۳۷۹، نفایس الفنون فی عرایس العیون، به تصحیح ابراهیم میانجی، جزء دوم، تهران، کتابفر و شی اسلامی، ص ۷۰۸.

۱۱) باربارو، جوزفا، ۱۳۴۹، سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ترجمه دکتر منوچهر امیری، تهران، خوارزمی.

۱۲) زمانی، عباس «پیچ تزیینی در آثار تاریخی اسلامی ایران»، معماری ایران (جلد دوم) گردآوری آسیه جوادی، ص ۷۷۱.

۱۳) آمود، تزیینات الحاقی به بنا را می‌گویند.

۱۴) مرحوم پیرنیا، محمد کریم، ۱۳۶۳، «مردم داری در معماری ایران»، معماری ایران (جلد دوم)، به قلم پژوهشگران، گردآوری آسیه جوادی، تهران، انتشارات مجرد، ص ۳۵.

۱۵) زکی محمد حسن، ۱۳۷۷، هنر ایران در روزگار اسلامی، ترجمه محمد ابراهیم اقلیدی، تهران، انتشارات ندای معاصر، ص ۴۶.

۱۶) همان آجر مشبک است، این مطلب را از خانم زهره بزرگمهری بهره جستهم.

۱۷) برای اطلاعات بیشتر ر.ک به: هیل درک و اولگ گرابه، ۱۳۷۵، معماری و تزیینات اسلامی، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۱۰۲.

۱۸) زکی محمد حسن، ۱۳۷۷، هنر ایران در روزگار اسلامی، ترجمه محمد ابراهیم اقلیدی، تهران، انتشارات ندای معاصر، ص ۵۹.

۱۹) اصغریان جدی، احمد، بهار ۱۳۵۵ «مجله فرهنگ معماری ایران» انتشارات سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، شماره ۲ و ۳، ص ۲۷۷-۲۷۶.

۲۰) پژوهشکده تحقیقات و مرمت آثار تاریخی. سازمان میراث فرهنگی کشور. گزارش.

۲۱) میر فتح، سید علی اصغر، «سلطانیه»، (مجله میراث فرهنگی سال اول شماره اول) تیرماه ۱۳۶۹، ص ۵۸.

۲۲) وولف - هانس ای، ۱۳۷۲، صنایع دستی کهن ایران، ترجمه دکتر سیروس ابراهیم زاده، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ص ۸۴.

۲۳) پشت و رو.